

# گفت و گو با برنی ساندرز

جان نیکولز



ترجمه‌ی احمد سیف



چند مایل خارج از اورینت، اوهایو، در طول جاده‌ای خاکی، خانه‌ای دهقانی هست که در آن هنری والاس، دومین معاون فرانکلین روزولت، در ۱۸۸۸ به دنیا آمد. در اتاقی که پر از یادگاری از دورانی است که روزولت و والاس به دنبال لایحه‌ی حقوق اقتصادی بودند، سناتور برنی ساندرز با من درباره‌ی این ضرورت صحبت کرد که حزب دموکرات باید همانند دوره‌ی روزولت و والاس دلیر و گستاخ باشد.

جان نیکولز

## تو این مبارزه‌ی انتخاباتی را به صورت مأموریتی برای احیای لایحه‌ی حقوق اقتصادی در آورده‌ای تا ایده‌ای را که ۷۵ سال پیش مطرح شد به عصر کنونی ربط بدهی، چرا؟

پاسخ‌ام این است که ما باید درباره‌ی سیاست در امریکا از نو ببیندیشیم. آن‌چه روزولت در ۱۹۴۴ گفت این بود که ما یک لایحه‌ی حقوق بشر داریم که از آزادی‌های سیاسی ما ضمانت می‌کند و این خیلی مهم است. ولی برای تضمین آزادی اقتصادی هیچ چیزی نداریم. پرسش و درواقع مضمون آن‌چه روزولت پرسیده بود این بود که اگر امروز ما ساعتی ۹ دلار حقوق می‌گیریم، و اگر امروز هیچ‌گونه پوشش خدمات بهداشتی نداریم، و اگر امروز نمی‌توانید از عهده‌ی مخارج آموزش دانشگاهی بر بیایید، چه گونه می‌توان گفت که شما آزادی واقعی دارید؟ و به گمان من این بحثی است که باید در میان ما در بگیرد. معنای آزادی چیست؟

## خودت به این پرسش چه گونه جواب می‌دهی؟

معنای آزادی این نیست که تو در خیابان بخوابی. معنای آزادی این معنا نیست که چون به دانشگاه رفته‌ای، ۱۰۰ هزار دلار بدهی داری. معنای آزادی این نیست که وقتی مریضی

پول نداری به طیب مراجعه کنی. ما باید آزادی را بازتعریف کنیم و مبارزه برای لایحه‌ی حقوق اقتصادی یعنی همین‌ها.

آن‌چه ما می‌گوییم - تازه خیلی هم رادیکال نیست چون در خیلی از کشورها هست - این است که دسترسی به خدمات بهداشتی در صورت نیاز، بخشی از حقوق بشر است. و ایالات متحده در دفاع از این حقوق بشر باید به دیگر کشورهای پیشرفته بپیوندد. وقتی هفته‌ای ۴۰ ساعت کار می‌کنی و ساعتی ده دلار دستمزد می‌گیری اما نمی‌توانی به این خدمات دسترسی داشته باشی، در نتیجه ما باید دستمزد را به حداقل ۱۵ دلار در ساعت افزایش بدهیم و بعلاوه اطمینان حاصل کنیم که کارگران آزادند به اتحادیه‌های کارگری بپیوندند. در سرتاسر این کشور در حال حاضر بحران مسکن داریم. مشکل تنها این نیست که ۵۰۰ هزار نفر در خیابان می‌خوابند. نکته این است که مردم بین ۵۰ تا ۵۵ درصد درآمدشان را برای اجاره‌ی مسکن می‌پردازند. آزادی به این معناست که مسکنی معقول دارید که با هزینه‌ی قابل قبول و قابل تحمل از عهده‌اش برمی‌آید و در اختیار شماست. آزادی به این معناست که وقتی شیر آب را باز می‌کنید آبی که از آن می‌آید برای نوشیدن شما مناسب است.

**در ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ والاس می‌گفت که لایحه‌ی حقوق اقتصادی باید از مردم همه‌ی نژادها حمایت کند. در شرایطی که در آن سال‌ها حزب دموکرات یک بلوک معتقد به تفکیک نژادی داشت این خواسته خیلی رادیکال بود. آن موقع معتقدین به تفکیک به‌واقع رهبری حزب را در دست داشتند.**

در بسیاری از موارد درست می‌گویی، ولی ادعا می‌کنم که حزب دموکرات در باره‌ی دورنمای خود به یک ائتلاف رسید. مدت‌ها پس از روزولت و والاس، حزب به مبارزه‌اش ادامه داد ولی برای من تعجب‌آور است که هروقت که از انقلاب سیاسی حرف می‌زنی، فرانکلین روزولت نقطه‌ی آغاز حرف‌های توست و می‌گویی، بپاخیزید و بگذارید حزبی داشته باشیم که دورنمای بزرگ‌تری دارد.

اگر می‌خواهی به روزولت برگردی باید تا ۱۹۳۶ به عقب برگردی که روزولت گفت او به تنفر از شاهان اقتصادی خوش آمد می‌گوید. آن چه که روزولت فهمید این بود که آن‌ها یک منافع ویژه اقتصادی دارند. او به آن‌ها شاهان اقتصادی می‌گفت ولی ما به آن‌ها می‌گوییم طبقه‌ی میلیاردرها که برای حفظ ثروت و قدرت خود به هر کاری دست می‌زنند. بدون برخورد با این جماعت نمی‌توانید منشاء هیچ تغییر اساسی در جامعه باشید. همه به جز دونالد ترامپ می‌دانند و می‌فهمند که خطر بهداشت محیط زیست یک تهدید خیلی جدی برای سیاره‌ی ماست. ولی ما نمی‌توانیم نظام انرژی خودمان را متحول کنیم مگر این که جسارت داشته و بتوانیم صنایع انرژی فسیلی را به چالش بطلیم.

یکی دیگر از نکات این مبارزه‌ی ما پرسیدن سؤال‌هایی است که مطبوعات وابسته به شرکت‌های غول‌پیکر اصلاً مطرح نمی‌کنند. در امریکا، قدرت در کجاست؟ چرا چیزی تغییر نمی‌کند؟ دوست دارم همگان را به بحث و جدل برسر این مباحث وادار کنم. این را میلیون‌ها بار گفته‌ام و باز هم می‌گویم که هیچ رئیس‌جمهوری، چه برنی ساندروز و چه هرکس دیگر نمی‌تواند این کار را به تنهایی انجام بدهد. ما نمی‌توانیم این اقتصاد را متحول کنیم، مگر این که میلیون‌ها تن در سطح توده‌ها در جنبش‌های سیاسی درگیر شوند تا ساختار قدرت در کشور تغییر کند.

این مبارزه برسر دو موضوع است. بدون تردید هدفم برنده شدن در آیووا است و نهایتاً نامزد حزب شدن تا بتوانم ترامپ را شکست بدهم. ولی در عین حال این مبارزه برسر تحول امریکا هم هست. شیوه‌ای که ما می‌خواهیم این کار را بکنیم به جنبش حقوق مدنی، جنبش زنان، جنبش حقوق همجنسگرایان، و جنبش کارگری بی‌شبهت نیست. و تغییر تنها در این حالات اتفاق می‌افتد.

اصل مصاحبه را در این لینک بخوانید:

## [Welcoming the Hatred of Billionaires](#)